



شیعه و شکل گیری وحدت ملی ایران (907-985 ه.ق)

پدیدآورده (ها) : قصابی گزکوه، جلیل

تاریخ :: تاریخ پژوهی :: زمستان 1391 - شماره 53

از 193 تا 209

آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1226020>

دانلود شده توسط : کاربر عمومی دانشگاه دولتی اصفهان

تاریخ دانلود : 27/06/1396

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تالیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابراین، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [فوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

www.noormags.ir

شیعه و شکل‌گیری وحدت ملی ایران (۹۰۷-۹۸۵ ه.ق)

چکیده

در تاریخ ایران، بعد از سقوط ساسانیان وحدت ملی که به دنبال مذهب رسمی شکل گرفته بود، از بین رفت. تلاش حکومت‌های ایجاد شده در ایران از قرن اول تا نهم هـ.ق در این زمینه بی‌نتیجه ماند. از لحاظ مذهبی در این دوره، شیعیان در اقلیت بودند و بین آن‌ها تعامل جدی برقرار نبود. با توجه به اینکه مذهب از عناصر مهم و اساسی در شکل‌گیری وحدت و هویت ملت‌ها است و بیشتر مردم ایران نسبت به مذهب شیعه دوازده امامی آگاهی جمعی و تعلق خاطر داشتند، شاه اسماعیل توانست اساس وحدت ملی را بر پایه محکم مذهب بنا نهد. وی با رسمیت دادن به تشیع در ایران، نه تنها سراسر کشور ایران را تحت یک حکومت درآورد، بلکه اکثر مردم ایران را از نظر مذهبی با هم متحد کرد. این نوشتار بر آن است تا نقش شیعه را در شکل‌گیری وحدت ملی در ایران اوایل دوره صفوی (۹۰۷-۹۸۵ ه.ق) را با شیوه پژوهش تاریخی از نوع توصیفی - تحلیلی بررسی کند.

کلیدواژه‌ها: ایران، صفویه، تشیع، وحدت ملی.

شیعه در ایران

ریشه تاریخی علاقه ایرانیان به تشیع را باید در همان اوایل ظهور اسلام جستجو کرد. ارادت ایرانیان نسبت به جانشین پیامبر (ص)، حضرت علی (ع)، به زمان حیات رسول اکرم (ص) برمی‌گردد، از همان زمان جانشینی ایشان به جای پیامبر (ص) از جانب ایرانیان، از جمله سلمان فارسی، حمایت می‌شد.^۱ البته نباید نقش سلمان فارسی را در این زمینه

۱- میراحمدی، مریم. ۱۳۶۰. دین و دولت در عهد صفوی. تهران: انتشارات امیرکبیر، ص ۲۸.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۱۰/۱۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۱۲/۲۳

اسطوره‌ای دانست. با اینکه روند شیعه‌پذیری ایرانیان تدریجی بود؛ اما تشیع از همان ابتدا خود را به عنوان یک اقلیت مصمم شناسانده بود، چون همان‌طور که مطهری معتقد است «روح ایرانیان با تشیع سازگاری داشت» و سرزمین ایران جایگاه مناسبی برای پذیرش تشیع است.^۱ از این رو، بیشتر جنبش‌های اجتماعی و سیاسی ایران برای نمونه در عصر مغول و تیموریان، رنگ و بوی شیعی و صوفیانه داشتند که برخی از آن‌ها منجر به برپایی حکومت‌های نیز شد؛ از جمله می‌توان به سرداران در خراسان، مرعشیان در مازندران، مشعشعیان در خوزستان و لرستان، قراقویونلوها در آذربایجان و آل‌کیا در مازندران اشاره کرد.^۲ از این رو، این نهضت‌ها و حکومت‌ها، اذهان توده مردم ایران را برای پذیرش تشیع دوازده امامی تا اندازه زیادی آماده کرده بودند.

با توجه به این‌که عدالت طلبی و برقراری عدل و دادگری را باید یکی از عوامل گرایش ایرانیان به تشیع دانست، نگاهی به تاریخ ایران قبل از تأسیس سلسله صفوی نشان می‌دهد، شیعیان در ایران از طرف حکام وقت تحت فشار بودند، تا جایی که انتظار وقوع تحول بزرگی در زمینه مذهبی و سیاسی می‌رفت. چون عناصر مشترکی مانند ظلم و ستم حاکم و نفی ظلم و طلب عدالت، به صورت دردی مشترک در بین ایرانیان وجود داشت. از این حیث، شاه اسماعیل اول صفوی با آگاهی از این مسأله، با رسمیت بخشیدن به مذهب شیعه دوازده امامی در برابر ظلم و ستم حاکمیت سنی سربرافراشت و با کمک نیروی جانباز قزلباش توانست آن وحدت و هویت ملی را که از زمان سقوط ساسانیان به بعد، به عنوان حلقه مفقوده در اندیشه دینی و مذهبی ایران شمرده می‌شد را به دست آورد.^۳

به نظر می‌رسد تأسیس دولت شیعی صفوی در ایران، در واقع یک «رنسانس مذهبی - حکومتی» خاص صفویان بود که فروپاشی نظام‌های ملوک‌الطوایفی را در ایران به دنبال

۱- مطهری، مرتضی. ۱۳۸۷. *خدمات متقابل اسلام و ایران*. تهران: انتشارات صدرا، ص ۱۲۱.

۲- بهار، محمدتقی. ۱۳۱۹. *سبک‌شناسی*. تهران: چاپ تابان. ۳ ج، ص ۲۱۲.

۳- گودرزی، حسین. ۱۳۸۷. *تکوین جامعه شناختی هویت ملی در ایران*. تهران: انتشارات تمدن ایرانی،

داشت. بنابراین، مذهب تشیع در زمینه به‌دست آوردن وحدت سرزمینی نیز دخیل بود. هرچند که صفویان از آن به جهت منافع سیاسی خود استفاده کردند، چون در تاریخ تشیع، این نخستین بار بود که پادشاهان شیعه، قدرت سیاسی پر دامنه‌ای را در ایران با تکیه بر اعتقادات دیرین شیعه به دست گرفته‌بودند و به دشمنی با خلافت سنی عثمانی و حکومت سنی شیعیان برخاستند.^۱

مردم ایران و صفویان

هرج و مرج و بی‌نظمی در اواخر حکومت تیموریان باعث اختلال در امور مملکت شده بود، آن‌طور که «درین سال [۹۰۷ هـ.ق] چند حاکم که هر یک داعیه استقلال داشتند در ولایت ایران لوای انا و لاغیر برداشته بودند».^۲ جنگ‌های داخلی برای توسعه قلمرو به‌وجود می‌آمد، در نتیجه باعث خرابی بیشتر و ناراحتی عمومی می‌شد. بنابراین به محض اینکه خاندان صفویه در «تدارکی صبورانه و ایدئولوژیک»^۳ بودند بعد از سال‌ها توانستند حکومتی تشکیل دهند، ایرانیان ناراضی از اوضاع مذهبی و سیاسی، برای رهایی از بدبختی و نابه‌سامانی با جان و دل در تقویت این خاندان کوشیدند.^۴ به همین دلیل شاه اسماعیل صفوی را به عنوان منجی خود از این مشکلات تلقی می‌کردند و در دست‌یابی‌اش به قدرت وی را همراهی کردند.^۵

از دیگر عناصری که منجر به پذیرش حکومت صفویه از سوی مردم ایران شد، همراهی نهاد دین و علمای بزرگ شیعه با صفویان بود. چون با آمدن علمای شیعه و نهادی شدن فقه

۱- مجیر شیبانی، نظام‌الدین. ۱۳۶۴. تشکیل شاهنشاهی صفوی. احیاء و وحدت ملی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ص ۴۵.

۲- روملو، حسن بیگ. ۱۳۸۴. احسن التواریخ. تصحیح عبدالحسین نوایی. تهران: انتشارات اساطیر. ج ۲، ص ۸۷.

۳- سیوری، راجر. ۱۳۸۳. ایران عصر صفوی. ترجمه کامبیز عزیزی. تهران: نشر مرکز، ص ۲۵.

۴- تاج بخش، احمد. ۱۳۴۰. ایران در زمان صفویه. تبریز: انتشارات چهر، ص ۲۴.

۵- مجیر شیبانی، نظام‌الدین. همان، ص ۸۲.

شیعی، سایر مذاهب موجود در ایران به حاشیه رفتند و اقلیتی سنی در شرق و غرب ایران موجودیت خود را حفظ کردند، و مذهب شیعه دوازده امامی به عنوان مذهب غالب مردم ایران قرار گرفت.^۱ چون مذهب غالب، از بنیه فرهنگی قویتری نسبت به فرهنگ مغلوب برخوردار بود، در بین مردم پذیرش بیشتری داشت و «تحول از مذهب منسوخ به مذهب مختار انجام شد».^۲ به این ترتیب بود که ایرانیان در عصر صفوی توانستند کیستی و چیستی خود را در مقابل همسایگان سنی مذهب عثمانی و ازبک تشخیص دهند و در برابر تهاجمات آنان، وحدت، انسجام و یکپارچگی خود را به دست آورده و حفظ کنند.

نقش وحدت ساز مذهب تشیع

یک ملت برپایه آگاهی جمعی و تعلق خاطر و گردآمدن پیرامون عناصری مشترک و فراگیر که نزد اکثریت جامعه پذیرفته شده‌اند شکل می‌گیرد. با این حال، این سوال مطرح است که آیا شیعه در وحدت و انسجام ملی اوایل عصر صفوی نقش دارد؟ بر این اساس اگر درون جامعه‌ای از نظر مذهبی با تنوع مواجه شویم، تعلق خاطر هر کدام از طبقات جامعه به مذهب مورد علاقه‌اش به عدم شکل‌گیری وحدت در جامعه می‌انجامد و حکومت‌های قبل از صفویه نیز از همگونی مذهبی و سیاسی لازم برخوردار نبودند.^۳ بی‌تردید علل مذهبی (رسمیت یافتن تشیع) در حفظ استقلال ایران و ایجاد هیجان در توده مردم، به ویژه زارعان و پیشه‌وران و قشرهای فرودست جامعه که به مذهب دل‌بستگی و اعتقاد محکمی داشتند، برای دفاع از مرزوبوم کشور نقش برجسته‌ای داشت و تاریخ معاصر ایران شاهد این موضوع است. چون هر وقت احساسات مذهبی و ملی پشتیبان یکدیگر شوند و هر دو در جهت مصلحت کشور و مردم قرار گیرند، نتیجه مطلوبی می‌دهد. بنابراین، مذهب شیعه دوازده امامی و ملیت

۱- گودرزی، حسین. همان، ص ۲۳۱.

۲- زرین کوب، عبدالحسین. ۱۳۷۵. روزگاران ایران از صفویه تا حاضر. تهران: انتشارات سخن. ۳، ص ۴۵۷.

۳- گودرزی، حسین. همان، ص ۲۴۶-۲۴۷.

در اوایل عصر صفوی در کنار یکدیگر عوامل وحدت بخش مؤثر و ضروری در «تحول تدریجی» ایران به سمت تشکیل دولت - ملت بودند.^۱

بحث در مورد فرضیه تحقیق، نقش شیعه در وحدت ملی ایران در اوایل دوره صفوی، جهت رد یا اثبات آن، مستلزم آن است که پذیرش و اقبال عمومی مردم و گسترش و استمرار آن را در جامعه و نسبت آگاهی مردم و احساس تعلق خاطر مردم به آن را بسنجیم. جدای از ناهمگونی مذهبی قبل از صفویه، در بیشتر شهرهای ایران، شیعیان در اکثریت بودند. البته در شهر تبریز که شاه اسماعیل صفوی در آنجا، تشیع را دین رسمی اعلام کرد، حدود یک سوم جمعیت آنجا شیعه و نسبت به اهل تسنن در اقلیت بودند. از این حیث، شاه اسماعیل در ابتدای امر، در تحمیل مذهب شیعه گفته بود «اگر کسی با مذهب تشیع مخالفت کند، به یاری حضرات ائمه از کسی باکی ندارم، اگر حرفی بزنند به عون الله تعالی شمشیر کشیده یک تن را زنده نخواهم گذاشت».^۲

گذشته از آن فشار مذهبی شاه اسماعیل در پادشاهان بعدی صفویه دیده نمی‌شود، حتی خود وی هم پس از شکست در چالدران آن را ادامه نداد و این سیاست غلط واکنشی به سیاست شیعه ستیزانه عثمانی‌ها بود. به احتمال زیاد، علاوه بر تهدید، قتل و فشار اولیه، در زمینه رسمیت و تحمیل مذهبی، تعلق خاطر و گرایش به مذهب شیعه در بین مردم ایران وجود داشته و با گذشت زمان، تشیع در ایران رواج یافته و استمرار پیدا کرد. و به «پیدایش و تحول طیفی از ارزش‌ها، کنش‌ها و اخلاقیات دینداران کمک کرد و با گسترش آن در میان توده‌های مردم عصر صفوی، حول محور شهادت امام حسین، عزاداری‌های دینی و اعتقاد به رستگاری اخروی» در روحیه مردم ایران برای به‌وجود آمدن وحدت و انسجام ایرانیان در اوایل عصر صفوی کمک زیادی کرد.^۳

۱- سیوری، راجر. در باب صفویان. ترجمه رمضان علی روح‌الهی. تهران: نشر مرکز، ص ۱۴۸.

۲- عالم‌آرای شاه اسماعیل. ۱۳۸۴. تصحیح اصغر منتظر. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ص ۴۷.

۳- فوران، جان. ۱۳۸۶. تاریخ تحولات اجتماعی ایران. مقاومت شکننده... ترجمه احمد تدین. تهران: انتشارات رسا، ص ۸۳.

ظاهراً پذیرش مذهب شیعه در اوایل عصر صفویه در بین ایرانیان، باعث شکل‌گیری تفاوت‌ها و تمایزهای بین ایرانیان و سایر دولتهای مسلمان اهل سنت شد. به همین دلیل با آگاهی و احساس تعلق خاطر آن‌ها به مذهب شیعه، نوعی همبستگی و وفاداری در میانشان شکل گرفت و آنان را در مجموعه واحد و دارای تشابهی به عنوان پیروان مذهب شیعه در برابر پیروان اهل سنت قرار داد.^۱

ایران شیعی عصر صفوی از لحاظ جغرافیایی در میان کشورهای سنی مذهب مانند جزیره‌ای در محاصره پیروان اهل سنت احاطه شده بود. از این‌رو، ایرانیان به دلیل «ایدئولوژی ستیزنده صفوی» نمی‌توانستند با آنان مبادله فرهنگی داشته باشند.^۲ از این رهگذر، در ایران برای دفاع در برابر حکومت‌های سنی همسایه، نیاز به یک وحدت و همبستگی کلی احساس می‌شد و همین انسجام و همبستگی ملی ایرانیان بود که صفویان توانستند در برابر دشمنان غرب و شرق ایستادگی کنند؛ بنابراین، نخستین عامل اساسی در ایجاد این وحدت و تمرکز آن طور که ذبیح‌الله صفا آورده است «تأثیر گرایش ملت ایران به مذهب تشیع و پرهیز روزافزون از مذهب اهل سنت بود». وی رشته اصلی و اساسی پیوند ملی صفویان را مذهب شیعه دوازده امامی می‌داند، چون در آن مقطع زمانی، شاید عامل مهم دیگری نمی‌توانست آن‌ها را پویا و در قالب یک ملت واحد نگهدارد تا از مستحیل شدن ایران در خاک امپراتوری عثمانی جلوگیری کند.^۳

بدون تردید، جنگ‌های ایران و عثمانی در دوره صفویه، بیشتر جنبه سیاسی و گسترش قلمرو داشت. به همین دلیل صفویان به «یاری احساسات شورانگیز و پاک مردم شیعی مذهب، نهضتی شعوبی صفوی ایجاد کردند و دور ایران را حصار از قومیت، تحت لوای

۱- گودرزی، حسین. همان، ص ۲۴۹.

۲- نجفی، موسی. ۱۳۸۱. تاریخ تحولات سیاسی در ایران. تهران: موسسه مطالعات تاریخی معاصر ایران، ص ۴۹.

۳- صفا، ذبیح‌الله. ۱۳۷۲. تاریخ ادبیات در ایران. تهران: انتشارات فردوس. ۵. ج ، ص ۶۶.

مذهب کشیدند و ملیت ایرانی را با اسلام توجیه کردند^۱ تا بتوانند به عنوان سدی نفوذ ناپذیر در برابر دشمنان سنی مذهب شرق و غرب مقاومت کنند. اما امپراطوران عثمانی که خود را داعیه دار خلافت اسلامی و تسلط بر همه مسلمانان می‌دانستند، از این موضوع ناخرسند بودند و صفویان با رسمیت دادن تشیع، به ایران هویتی ارضی و سیاسی دادند و «تأسیس یک دولت رزمنده شیعی در مجاورت امپراتوری سنی مذهب عثمانی، عملی تحریک آمیز بود که برخورد فیزیکی بین آن‌ها را اجتناب ناپذیر کرده بود»^۲. بنابراین، نقش بی‌بدیل مذهب شیعه را که موتور محرکه صفویان در اتحاد، وحدت و همبستگی ایرانیان بود، باید پذیرفت. چون صفویان از این طریق مانعی برای ضمیمه شدن ایران به عثمانی به وجود آوردند.

علمای شیعه، وحدت ملی عصر صفوی

چون از مذهب شیعه و نقش آن در شکل‌گیری وحدت ملی در ایران اوایل دوره صفوی بحث می‌شود، بدون تردید نقش علمای شیعه به عنوان ارکان تبیینی احکام فقهی و ناظرین بر اجرای آن در جامعه مطرح خواهد شد. بعد از رسمیت یافتن تشیع در ایران در سال ۹۰۷ ه.ق، «چون در آن اوان مردم از مسائل مذهب جعفری و قواعد و قوانین ملت ائمه اثنی عشری اطلاعی نداشتند و جلد اول از کتاب قواعد الاسلام که از جمله تصانیف سلطان العلماء المتبحرین شیخ جمال الدین مطهرحلی است که شریعت پناه قاضی نصرالله زیتونی داشت از روی آن تعلیم و تعلم مسائل دینی می‌نمودند»^۳، نیاز مبرمی به برقراری همگونی فکری از طریق ارشاد و ترویج عقاید شیعی پدیدار گشت، لذا شاه اسماعیل برای رفع این نقیصه، از

۱- شریعتی، علی، ۱۳۸۶. تشیع علوی و تشیع صفوی. مجموعه آثار «۹». تهران: انتشارات چاپخش و بنیاد فرهنگ دکتر علی شریعتی، ص ۱۰۵.
۲- سیوری، راجر. ایران عصر صفوی، ص ۲۹.
۳- روملو، حسن بیگ. همان، ص ۹۷۶؛ قاضی الحسینی، ۱۳۶۳. خلاصه التواریخ. تصحیح احسان اشراقی. ج ۲. تهران: دانشگاه تهران، ص ۹۴۳.

علمای شیعی سوریه و جبل عامل برای اشاعه و ترویج عقاید شیعی و نظارت بر طبقه روحانیون دعوت کرد.^۱

در تاریخ ایران، علمای شیعه که تجربه چندین قرن دشمنی دولت‌ها را با تشیع داشتند، اوضاع به وجود آمده از طرف صفویان را غنیمت شمردند، زیرا به برکت دولت صفوی، تشیع از حالت تقیه خارج شده بود، به طوری که حضور علمای شیعه در دربار صفوی، وجهه مذهبی پادشاهان صفوی را افزایش داده و ایران را به عنوان کشور پرچمدار فقه شیعی در تقابل با حکومت‌های سنی مذهب قرار داد.^۲ به هر روی، علما با اینکه در مرحله شکل‌گیری و تأسیس حکومت صفویه، نقش چندین حائز اهمیت نداشتند، با نفوذ خود در اندیشه و اعتقاد مردم رخنه کردند و تا اندازه‌ای قدرت برتر اجتماعی را در زمان صفویان کسب نمودند. چون «علمای شیعه در عمق مردم جای داشتند، هر چند که در کنار حکومت قرار گرفته و تنها توجیهی برای اعمال حکومت بودند». برای نمونه در دوره شاه اسماعیل اول «آدم‌کشی‌ها و آدم‌سوزی‌ها و مصادره اموال و قساوت‌های شاه اسماعیل را مهر تأیید می‌زدند، که در راه دین این اعمال جایز است. حتی به شراب‌خواری شاه شیعی و نائب امام زمان و ظل‌الله بر روی زمین اعتراض نمی‌کردند».^۳ البته این مسایل بیشتر در اوایل نیمه اول حکومت شاه اسماعیل وجود داشت و هنوز هیچ عالم مهمی به ایران نیامده بود.

گذشته از این، میزان مشارکت علما در عصر صفوی سیر یکنواختی نداشت، ظاهراً اوج نفوذ آنها در دوره شاه اسماعیل اول و به ویژه در دوره شاه طهماسب اول بود، که به جنبه‌های مختلف شریعت تشیع دوازده امامی توجه فراوانی داشت و قدرت علما و فقه در دوره طهماسب اول نهادینه شد، تا جایی که امکان حذف آن از بین رفت.^۴ باید توجه داشت

۱- سیوری، راجر. همان، ص ۲۹.

۲- ۱۳۷۹. صفویه در عرصه دین. فرهنگ و سیاست. قم: انتشارات پژوهشکده حوزه و دانشگاه. ج ۳، ج ۱، ص ۱۳۶.

۳- شریعتی، علی. همان، ص ۱۰۵.

۴- جعفریان، رسول. همان، ص ۱۲۳.

شیعه و شکل‌گیری وحدت ملی ایران... / تاریخ پژوهی ۲۰۱

که اگر علمای شیعه به ایران مهاجرت نمی‌کردند و یا با ادعاهای دینی شاهان صفوی مخالف می‌کردند، به طور یقین، نظام سیاسی صفویه از مشروعیت کامل دینی برخوردار نمی‌گشت و توده مردم نیز نسبت به نهضت صورت گرفته توسط صفویان بی‌تفاوت می‌شدند، در نتیجه امکان مقاومت آن‌ها در برابر دو قدرت مخالف در شرق و غرب (شیبانیان و عثمانی‌ها) را که هر دو به دنبال حذف و نابودی ایران بودند، از بین می‌رفت. علمای شیعه در ایران، در زمینه ترویج و اشاعه فرهنگ شیعی نقش مهمی ایفا کردند، لازم است که حداقل نقش یکی از علمای برجسته این دوره را بررسی کرد.

شیخ کرکی

علی بن عبدالعال کرکی از علمای بزرگ شیعه بود که در سه دهه نخست دولت صفوی، در صحنه سیاست مذهبی نقش مهمی داشت. بعد از رسمیت یافتن تشیع، چون کتب مرجع مرتبط با مذهب شیعه کمیاب بود و دسترسی به این منابع مشکل، شاه اسماعیل اول از علمای جبل عامل دعوت کرد. محقق کرکی به این طریق به دستگاه حکومت صفویان وارد شد و حدود پانزده سال در سیاست مذهبی شاه اسماعیل نقش ایفا کرد.^۱ کرکی را می‌توان احیاگر اندیشه ولایت فقیه در عرصه سیاست مذهبی ایران به شمار آورد.

ظاهراً، در جامعه ایران، نهاد فقهی شیعه دوازده امامی تا دوره صفویه، شکل رسمی نگرفته بود، در صورتی که نهاد فقهی سنی موجود بود. محقق کرکی در ابتدای امر، مورد استقبال شاه اسماعیل قرار نگرفت و بعد از مدتی از طرف شاه اسماعیل با سردی مواجه شد، که احتمالاً به دلیل ساخت سیاسی قدرت صفویه بود، چون شاه اسماعیل نقش کاریزمای، مرشدکامل در بین توده مردم و قزلباش‌ها داشت، وی نمی‌خواست از مقام ظل الهی او کاسته شود، در این زمینه با برخی از عقاید کرکی مخالفت می‌کردند، چون در جامعه زمینه اجتماعی که بتواند

۱- حسینی، خورشاه بن قباد. ۱۳۷۹. تاریخ ایلیچی نظام شاه. تصحیح محمدرضا نصیری. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ص ۹۴۳.

نهاد شیعه را درون خود بپروراند، هنوز بوجود نیامده تا این که که در دوره ی طهماسب مذهب تشیع نهادینه شد و تداوم پیدا کرد.^۱

محقق کرکی و علمای طرفدار حکومت سعی می کردند صفویان را مشروع جلوه دهند. از این حیث، آنان در این زمینه رساله های فراوانی برای نماز جمعه، اراضی خراجی و احکام جهادی نوشتند. با روی کار آمدن صفویان، زمینه اقامه نماز جمعه فراهم شد، چون امام جمعه را خلیفه و سلطان سنی انتصاب می کرد. شیعیان در ایران، نماز جمعه برگزار نمی کردند و بدون اذن امام و نائب امام، امامت جمعه را نمی پذیرفتند. اقامه نماز جمعه در حکم جهاد هفته ای و نشانی از وحدت جامعه به شمار می رفت، چون در خطبه های نماز از پادشاه صفوی حمایت می شد و مردم را علیه ترکان عثمانی تحریک می کردند، مورد انتقاد علمای سنی مذهب عثمانی قرار می گرفتند. به همین دلیل، شاه اسماعیل در خطبه روز جمعه که منجر به رسمیت یافتن تشیع شد، دستور داد، جمله «اشهد ان علی ولی الله» را در رقابت با اهل سنت در اذان قرار دهند.^۲

درباره این مسأله که آیا کسی در زمان غیبت، حق اقامه نماز جمعه دارد یا نه، بحث های فراوانی صورت گرفته بود. محقق کرکی نخستین فقیه و عالم شیعی بود که «اقامت فرایض و واجبات و اوقات جمعه و جماعت»^۳ مورد توجه قرارداد و وجوب اقامه نماز جمعه را در ایران عصر صفوی، با این استدلال که «در صورت وجود یک عالم شایسته برای امام جمعه، نماز جمعه نه تنها جایز، در حقیقت واجب است» عنوان کرد. گذشته از آن، کرکی در حمایت از مشروعیت خاندان صفوی نقش مهمی داشت. وی سلطان صفوی را نائب امام و سلطان

۱- آغاچاری، هاشم. ۱۳۸۰. کنش دین و دولت در ایران عصر صفوی. تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران، ص ۱۶.

۲- خواندمیر، امیر محمود. ۱۳۷۰. ایران در روزگار شاه اسماعیل و شاه طهماسب صفوی. به کوشش غلامرضا طباطبایی. تهران: انتشارات ادبی و تاریخی، ص ۱۲۵؛ جعفریان، رسول. ۱۳۸۷. نقش خاندان کرکی در تاسیس و تداوم دولت صفوی. تهران: انتشارات علمی، ص ۲۱۲.

۳- روملو، حسن بیگ. همان، ج ۱، ص ۲۴۹.

شیعه و شکل‌گیری وحدت ملی ایران... / تاریخ پژوهی ۲۰۳

مسلمانان معرفی کرد، اما در این میان مورد انتقاد و مخالفت گروهی از علمای دیگر، در داخل ایران، قرار گرفت.^۱ نماز جمعه از فریضه‌های عبادی و سیاسی در اسلام است، از این جهت که اجتماع بزرگی از مردم را در موعد مشخصی جمع می‌کند که نشان از وحدت مذهبی و ملی مردم در آن دوره داشت.

در کنار برگزاری نماز جمعه، جشنهای مذهبی، بخصوص عیدهای مذهبی (قربان، غدیر، فطر) که با اجرای سیاست‌های صفویان همسو بود، در برگزاری این آیین‌ها، احساس غرور مذهبی، همراه با غرور ملی پدیدار می‌گشت. برپا داشتن عزاداری برای اهل بیت در محرم، مجالس روضه‌خوانی و به راه انداختن دسته‌های عزاداری در دوره صفویه که برخی از شاهان صفوی نیز در دستجات شرکت می‌کردند، باعث جوشش خشم و غلیان احساسات ایرانیان می‌شد که تأثیر زیادی در ایجاد وحدت مذهبی و به دنبال آن وحدت ملی داشت.^۲

شاه اسماعیل (۹۳۰-۹۰۷ ه.ق)

شاه اسماعیل در سن پانزده سالگی در میان شور مریدانش که او را تا مرز خدای جاودان و «اسماعیل ولی الله» می‌ستودند و نائب ائمه معصوم خطاب می‌کردند، پس از غلبه برالوند میرزا در اوایل سال ۹۰۷ ق عازم تبریز شد. «تمامی مردم تبریز به استقبال بیرون آمده، طبق‌های زر نثار آن شه‌ریار کردند. وی دستور داد که خطبه و سکه به نام نامی حضرت امیرالمؤمنین مزین ساختند و مردم از مذهب باطل آبا و اجدادی خود دست بردارند، اما امرای نامدار به عرض رساندند که از اکثر مردم می‌شنویم که گویند: پادشاه شیعه نمی‌خواهیم. پیشتر فکری باید کرد...» اما وی به تذکر امرای خود اعتنایی نکرد. همچنین دستور داد تا در مساجد، خلفای سه‌گانه یعنی ابوبکر، عمر و عثمان را لعن کنند.^۳ بنابراین،

۱- جعفریان، رسول. همان، ص ۲۱۳؛ هالم، هاینس. ۱۳۸۵. تشیع. ترجمه محمدتقی اکبری. تهران: نشر ادیان، ص ۱۶۴.

۲- صفا، ذبیح‌الله. همان، ص ۸۷.

۳- عالم‌آرای شاه اسماعیل. ۱۳۸۴. تصحیح اصغر منتظر. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، صص ۸۵-۸۶.

می‌توان شاه اسماعیل را از شخصیت‌های مهم تاریخ ایران دانست، همان‌طور که او را «آئینه رونمای مذهب حق اثنی‌عشری» می‌خوانند.^۱

شاه اسماعیل اول صفوی ایران پر از هرج و مرج را وحدت بخشید و ملیت ایران را احیا کرد، و با ترویج مذهب شیعه و بهره‌گیری از توانمندی بالای آن در میان ایرانیان، وحدت و همبستگی ایجاد کرد و به وسعت دامنه اختلافات بین ایران و کشورهای سنی مذهب افزوده و اگر شاه اسماعیل از احساسات مذهبی بین ایرانیان استفاده نمی‌کرد به طور یقین اتحاد سرزمینی و مذهبی شکل نمی‌گرفت.^۲ اگرچه موفقیت شاه اسماعیل، تا اندازه‌ای مربوط به کشتارهای بی‌رحمانه او بود، اما یک آمادگی فکری و قلبی هم بین ایرانیان وجود داشت که باعث ماندگاری مذهب تشیع در ایران شده است، به طوری که از زمان شاه اسماعیل اول تاکنون، نه تنها هرگز کوششی برای بازگشت به سنی‌گری نشده است؛ بلکه با گذشت زمان، ایرانیان در شیعه‌گری خود پایدار و متعصب شده‌اند.^۳

مهمترین تصمیم اتخاذ شده از طرف شاه اسماعیل، رسمیت دادن تشیع بود. این تصمیم تأثیر فراوانی در جریان‌های تاریخی بعد از خود گذاشت. هرچند شاید وی در ابتدا، نقشه‌ای برای ایجاد وحدت مرکزی نداشت، اما با شرایط موجود در ایران که رقابتهای شدید مذهبی و سیاسی موجود بود، او با تکیه بر مذهب شیعه دوازده امامی از توان یک ایدئولوژی پویای مذهبی در تأسیس حکومت ملی نهایت استفاده را برد.^۴

شاه طهماسب (۹۸۴-۹۳۰ هـ.ق)

شاه طهماسب هنگام به تخت نشستن، بیش از ده سال نداشت. ظاهراً وی در سن بیست سالگی بنا بر قول خودش «در ایام جوانی عین لذات نفسانی به توفیقات آسمانی به توبت و

۱- عالم آرای عباسی. زیر نظر ایرج افشار. تهران: انتشارات امیرکبیر. ج ۱، ص ۴۲.

۲- سفرنامه‌های ونیریان در ایران. ۱۳۴۹. ترجمه منوچهر امیری. تهران: خوارزمی، ص ۱۵.

۳- نیازمند، رضا. ۱۳۸۳. شیعه در تاریخ ایران. تهران: حکایت قلم نوین، ص ۱۲۸.

۴- پارسا دوست، منوچهر. ۱۳۷۵. شاه اسماعیل. بی جا. انتشارات حیدری، ص ۷۲۱.

انابت راغب گشته و عن صمیم قلب از جمیع مناهای توبه کرده، ... ، وجوه شرابخانه و قمارخانه و بیت‌اللطف را از دفاتر اخراج کرد.^۱ که در تاریخ به توبه نصوحاً شناخته می‌شود. شاه طهماسب در مقایسه با دیگر پادشاهان صفوی نسبت به تشیع حساسیت و تعصب بیشتری داشت و برای گسترش آن، اقدامات گسترده‌ای انجام داد تا زمینه تثبیت تشیع را در اکثر نقاط ایران به وجود آورد. در این زمینه علاوه بر دعوت از علمای مشهور جبل عامل و سوریه، کتب فقهی شیعه را منتشر و مکتب خانه‌هایی برای ترویج و پذیرش فرهنگ جدید شیعی دایر کرد.^۲ البته تعصب شدید وی، تا اندازه‌ای به انزوای سیاسی ایران انجامید. همانطور که جن کینسن، سفیر انگلیس، که برای شروع روابط و مبادلات تجاری به ایران آمده بود، به جرم مسیحی بودن از ایران اخراج کرد و این امر ایران را از ارتباطات گسترده بین‌المللی تا حدودی باز می‌داشت.^۳

شاه طهماسب موفقیت خود را در حکومت‌داری بیشتر مدیون ایمان و سیاست مذهبی‌اش بود که با تکیه بر میراث تشیع و سپاه مطیع به این مهم دست یافت. وی با دعوت از علمای شیعه به ایران و تقویت بنیانهای مذهبی شیعه و رواج دینداری، کوشش فراوان کرد، هرچند مبنای مشارکت علما در دربار طهماسب صفوی بیشتر نظریه حکومت از آن فقیه بود که در عصر غیبت، تمام اختیارات امام معصوم را به فقها می‌دادند، از آنجا که شاه طهماسب به حکومت فقها تن نمی‌داد، فقها از روی مصلحت، قدرت سیاسی و مشروع خود را به سلطان واگذار کردند و شاه، نائب مجتهد در اداره کشور می‌شد.^۴ در این بین، محقق کرکی از علمای مهم شیعی مهاجر در دوره شاه طهماسب بود که وی «همواره در اردوی همایون به نشر

۱- صفوی، طهماسب، ۱۳۴۳. تذکره شاه طهماسب. به اهتمام عبدالشکوری. ج ۱. برلن: چاپخانه کاوایانی، ص ۲۰۱.

۲- بهار، محمدتقی. همان، ص ۲۵۳.

۳- سیوری، راجر. ایران عصر صفوی، ص ۱۰۸.

۴- جعفریان، رسول. صفویه در عرصه دین، فرهنگ و سیاست. ج ۱، ص ۱۲۱.

احادیث و تألیف و تصنیف و درس و فتوی اشتغال داشتند.^۱ بنابراین از نظرگاه مردم که نسبت به علما شیعه اعتقاد داشتند، سلطان صفوی مشروعیت لازم را برای حکومت دارد.

شاه اسماعیل دوم (۹۸۵-۹۸۴ هـ.ق)

شاه اسماعیل دوم با وجود مدت کم سلطنتش، دوره مهمی را در دولت نوین صفوی رقم زد که می توان آن را دوره بحران در مناسبات نهاد دینی با نهاد سیاسی نامید. براساس آنچه که مورخان این عصر نگاشته‌اند «در این اثنا میانه خلایق مکرر گفتگوی مذهب آمده، در حین گفتگو طرف اهل سنت می گرفت. از این علت قزلباش را سوءظنی بدو حاصل شد، بعضی از اهل سنت کمال اعتبار یافتند،... تا آن که جهت رفع مظنه، میرزا مخدوم شریفی را که اظهار تسنن نموده با علمای شیعه بحث نمود، محبوس ساخت و در سکه این شعر را زمشوق تا به مغرب گر امام است، علی و آل او ما را تمام است».^۲ برای گرایش شاه اسماعیل دوم به تسنن می توان دو دلیل برشمرد. اول) به واسطه تربیت شاه اسماعیل دوم به وسیله مربی سنی اش، دوم) زندانی شدن بیست ساله وی توسط پدرش در قلعه قهقهه، چنان که شاه اسماعیل دوم صفوی می خواست مردم را به مذهب سنی شافعی درآورد و کوشید مذهب شیعه را حذف کند. در همین زمینه، وی علمای بزرگ شیعه را از خود رنجاند و افرادی چون میرزا مخدوم سنی مذهب را ارج نهاد. علاوه بر آن، شاه اسماعیل دوم دستور داد، رسم تبرا را ممنوع کنند و اظهار می کرد «مرا با طبقه تبری که لعن را سرمایه معاش ساخته‌اند صفایی نیست».^۳

وی در تشویق مردم به خودداری از لعن خلفا، مبلغی پول تعیین کرد و این امر سبب شد تا گروهی فرصت طلب، شیعه گری خود را نهان کنند و دم از تسنن بزنند.^۴ حتی

۱- قبادالحسینی. ج ۲. همان، ص ۹۴۵.

۲- روملو، حسن بیگ. عالم آرای عباسی. ج ۱، ص ۲۱۳-۲۱۴.

۳- همان. احسن التواریخ. ج ۲، ص ۶۴۸-۶۴۹.

۴- همان. عالم آرای عباسی. ج ۱، ص ۲۱۴.

۵- پارسا دوست، منوچهر. ۱۳۸۱. شاه اسماعیل دوم و شاه محمد. تهران: شرکت سهامی انتشار، ص ۱۱۱.

شیعه و شکل‌گیری وحدت ملی ایران... / تاریخ پژوهی ۲۰۷

قورچیانی در مساجد گماشت تا هر کس خلفا را لعن کند، آن‌ها را عقوبت کنند.^۱ اما با تمام تلاشهایی که شاه اسماعیل دوم انجام داد، فرهنگ شیعه بعد از هشتاد سال طوری در بین مردم عجین شد که امکان از بین رفتن آن را برای پادشاه صفوی ناممکن ساخت و حمایت شاه اسماعیل دوم از مذهب تسنن، «تنها میان پرده‌ای کوتاه» در تاریخ تشیع صفوی به شمار می‌رود.^۲

نتیجه‌گیری

نهضت صفویان بیشترین تأثیر و نفوذ را در تاریخ ایران گذاشت، چرا که پیوند مذهبی، زبانی، و جغرافیای ایران را دوباره در حاکمیت سیاسی جدید به بار نشانده و توانستند بر هرج و مرج و تشتت مناطق مختلف ایران غلبه کنند و تمدنی نو براساس مذهب پویای شیعه دوازده امامی برپا کنند. آنان برخلاف اسماعیلیان، اهل تقیه نبودند و با سازش کاری شیعیان دیلمی در برابر خلفا عجین نشدند؛ بلکه در مقابل اهل سنت یعنی ازبکان و عثمانیان، مقاومت کردند. از جنبه دولت‌مداری، ایران عهد صفوی با سایر حکومت‌های شکل‌گرفته در ایران تا آن عصر مانند طاهریان، سامانیان، صفاریان، دیلمیان، غزنویان و ...، تیموریان و ترکمانان تفاوت عمده‌ای که داشتند، وحدت و یکپارچگی و انسجام ایرانیان نسبت به آن دولت‌ها بود که در سایه ایدئولوژی پویای مذهب شیعه دوازده امامی، شکل گرفته بود. در میان عناصر تشکیل‌دهنده این موقعیت صفویان، نقش اول را باید به مذهب تشیع داد، چون به عنوان موتور محرکه‌ای برای صفویان عمل کرد و باعث اتحاد و انسجام ایرانیان در برابر امپراتوری عثمانی، مهیب‌ترین ماشین جنگی آن عصر شد. البته این نقش تنها در مرحله استقرار نبود، بلکه در مرحله تثبیت و تداوم این نظام نیز حائز اهمیت بود.

۱- هیتس، والتر. ۱۳۷۱. شاه اسماعیل دوم صفوی. ترجمه کیکاووس جهان‌داری. تهران: انتشارات علمی

فرهنگی، ص ۱۱۳-۱۲۳.

۲- هالم، هاینس. همان، ص ۱۶۵.

۲۰۸ نایخ پژوهی سال چهاردهم - زمستان ۱۳۹۱ - شماره ۵۳

کتابنامه

- آغاچاری، هاشم. ۱۳۸۰. کنش دین و دولت در ایران عصر صفوی. تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
- بهار، محمدتقی. ۱۳۱۹. سبک‌شناسی. تهران: چاپ تابان. ۳ ج.
- پارسا دوست، منوچهر. ۱۳۷۵. شاه اسماعیل. پادشاهی با اثرهای دیرپای در ایران. تهران: انتشارات حیدری.
- _____ ۱۳۷۵. شاه اسماعیل. بی جا. انتشارات حیدری.
- _____ ۱۳۸۱. شاه اسماعیل دوم و شاه محمد. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- تاج بخش، احمد. ۱۳۴۰. ایران در زمان صفویه. تبریز: انتشارات چهر.
- صفوی، طهماسب. ۱۳۷۹. تذکره شاه طهماسب به اهتمام عبدالشکور. برلن: چاپخانه کویانی.
- جعفریان، رسول. ۱۳۷۹. صفویه در عرصه دین. فرهنگ و سیاست. قم: انتشارات پژوهشکده حوزه و دانشگاه. ۳ ج.
- _____ ۱۳۸۷. نقش خاندان کرکی در تأسیس و تداوم دولت صفوی. تهران: انتشارات علمی.
- خواندمیر، امیر محمود. ۱۳۷۰. ایران در روزگار شاه اسماعیل و شاه طهماسب صفوی. به کوشش غلامرضا طباطبایی. تهران: انتشارات ادبی و تاریخی.
- حسینی، خورشاه بن قباد. ۱۳۷۹. تاریخ ایلی نظام شاه. تصحیح محمدرضا نصیری. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- حسینی، قاضی احمد بن شرف الدین. ۱۳۶۳. خلاصه التواریخ. تصحیح احسان اشراقی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران. ۲ ج.
- روملو، حسن بیگ. ۱۳۸۴. احسن التواریخ. تصحیح عبدالحسین نوایی. تهران: انتشارات اساطیر. ۲ ج.
- _____ ۱۳۸۲. عالم آرای عباسی. زیر نظر ایرج افشار. تهران: انتشارات امیرکبیر. ۲ ج.
- زرین کوب، عبدالحسین. ۱۳۷۵. روزگاران ایران از صفویه تا حاضر. تهران: انتشارات سخن. ۳ ج.
- سیوری، راجر. ۱۳۸۳. ایران عصر صفوی. ترجمه کامبیز عزیزی. تهران: نشر مرکز.
- _____ ۱۳۸۰. در باب صفویان. ترجمه رمضان علی روح‌الهی. تهران: نشر مرکز.

شیعه و شکل‌گیری وحدت ملی ایران... / تاریخ پژوهی ۲۰۹

سفرنامه‌های ونیریان در ایران. ۱۳۴۹. ترجمه منوچهر امیری. تهران: خوارزمی. شریعتی، علی. ۱۳۸۶. تشیع علوی و تشیع صفوی. مجموعه آثار «۹». تهران: انتشارات چاپخش و بنیاد فرهنگ دکتر علی شریعتی.

صفا، ذبیح‌الله. ۱۳۷۲. تاریخ ادبیات در ایران. تهران: انتشارات فردوس. ۵ ج. صفوی، طهماسب. ۱۳۴۳. تذکره شاه طهماسب. به اهتمام عبدالشکوری. برلن: چاپخانه کاویانی. عالم آرای شاه اسماعیل. ۱۳۸۴. تصحیح اصغر منتظر. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی. فوران، جان. ۱۳۸۶. تاریخ تحولات اجتماعی ایران. مقاومت شکننده.. ترجمه احمد تدین. تهران: انتشارات رسا.

گودرزی، حسین. ۱۳۸۷. تکوین جامعه شناختی هویت ملی در ایران. تهران: انتشارات تمدن ایرانی. مطهری، مرتضی. ۱۳۸۷. خدمات متقابل اسلام و ایران. تهران: انتشارات صدرا. میراحمدی، مریم. ۱۳۶۰. دین و دولت در عهد صفوی. تهران: انتشارات امیرکبیر. مجیر شیبانی، نظام‌الدین. ۱۳۶۴. تشکیل شاهنشاهی صفوی. احیاء و وحدت ملی.. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

نجفی، موسی. ۱۳۸۱. تاریخ تحولات سیاسی در ایران. تهران: موسسه مطالعات تاریخی معاصر ایران. نیازمند، رضا. ۱۳۸۳. شیعه در تاریخ ایران. تهران: حکایت قلم نوین. هالم، هاینس. ۱۳۸۵. تشیع. ترجمه محمدتقی اکبری. تهران: نشر ادیان. هیتس، والتر. ۱۳۷۱. شاه اسماعیل دوم صفوی. ترجمه کیکاووس جهان‌داری. تهران: انتشارات علمی فرهنگی.